

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه

سطح ۲

درس ۲۸

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی  
آموزشیار: آقای خادمی

**مقدمه**

بحث آخر کتاب صلات که بعد از اتمام مباحث مربوط به صلات مسافر و شرایط آن و هم چنین نماز جماعت و موارد آن مورد بررسی قرار می‌گیرد بحث نماز جمعه است. نماز جمعه از جمله نمازهای واجب است که وجوب آن در زمان حضور امام علیه السلام مورد اتفاق است و بحثی در آن وجود ندارد، اما وجوب آن در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام محل اختلاف است. در این درس علاوه بر بررسی اقوال در این مسأله، به بیان کیفیت و واجبات و برخی مستحبات نماز جمعه پرداخته و مستندات هر کدام را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## متن عربى

## صلاة الجمعة

فى وجوب الجمعة عصر الغيبة اختلاف كبير.

و هى كالصبح ركعتان الا انها مسبوقه بخطبتين يقوم الامام فى الاولى و يحمد الله و يثنى عليه و يوصى به تقوى الله و يقرأ سورة، ثم يجلس قليلا؛ و يقوم فى الثانية و يحمد الله و يثنى عليه و يصلى على محمد صلى الله عليه و آله و سلم و ائمة المسلمين عليهم السلام و يستغفر للمؤمنين و المؤمنات.

و المستند فى ذلك:

أما بالنسبة الى اصل الوجوب، فمحل خلاف؛ و الاقوال المشهورة ثلاثة: الوجوب التعيينى، و الوجوب التخيري، و عدم المشروعية.

و المناسب ان يقال: لو لاحظنا الآية الكريمة: «ياايها الذين آمنوا اذا نودى للصلاة من يوم الجمعة فاسعوا الى ذكر الله و ذروا البيع ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون» لما وجدناها تدل على وجوب عقدها ابتداء بل متى ما عقدت و نودى لها لزم الحضور؛ و مقتضى الاطلاق عدم شرطية حضور الامام عليه السلام، و يقتصر فى تقييده على بقية الشروط التى دل الدليل على اعتبارها و ليس منها الحضور.

و لو لاحظنا صحيحة زرارة عن الباقر عليه السلام «انما فرض الله عز و جل على الناس من الجمعة الى الجمعة خمسا و ثلاثين صلاة، منها صلاة واحدة فرضها الله عز و جل فى جماعة، و هى الجمعة، و وضعها عن تسع: عن الصغير، و الكبير، و المجنون، و المسافر، و العبد، و المرأة، و المريض، و الأعمى، و من كان على رأس فرسخين» وجدناها تشمل به مقتضى اطلاق كلمة «الناس» الجميع الى يوم القيامة به ما فى ذلك عصر الغيبة، و لكنها لا تدل على وجوب اقامتها ابتداء بل اعم منه و من وجوبها عند النداء لها، لعدم احراز كونها فى مقام البيان الا من ناحية بيان عدد الفرائض و من تجب عليه. و عليه، فالمناسب الحكم بوجوب صلاة الجمعة تعيينا فى مرحلة البقاء دون الحدوث لان الوجوب التعيينى فى مرحلة الحدوث لا دليل عليه، فينفى بالبراءة بخلافه فى مرحلة البقاء فان الدليل على ثبوته موجود.

و دعوى انه لا يمكن الحكم بالمشروعية زمن الغيبة اما لان شرط انعقاد الجمعة حضور الامام عليه السلام او من نصبه، و هو منتف زمن الغيبة، او لظاهر دعاء الصحيفة السجادية: «اللهم ان هذا المقام لخلفائك و اصفياك... قد ابتزوها وانت المقدر لذلك... حتى عاد صفوتك و خلفائك مغلوبين مقهورين...».

مدفوعة بأن الشرط المذكور اول الكلام، بل هو منفي بعدم اشارة النصوص له؛ و اقصى ما يدل عليه الدعاء أن الامام عليه السلام احق باداء الجمعة مع وجوده و انه من مناصبه الخاصة كالتقاضاة و الولاية، و هذا غير محل الكلام، فانه ناظر الى زمن الغيبة.

و أما انها ركعتان كالصبح، فهو مضافا الى كونه من المسلمات يستفاد من موثق سماعة عن ابى عبد الله عليه السلام: «صلاة الجمعة مع الامام ركعتان، فمن صلى وحده فهى اربع ركعات» و غيره.

و أما انه يتقدمها خطبتان يقرأ فيها ما ذكر، فلموثق سماعة الاخرى عن ابى عبد الله عليه السلام «يخطب يعنى امام الجمعة، و هو قائم يحمد الله، و يشنى عليه، ثم يوصى به تقوى الله، ثم يقرأ سورة من القرآن صغيرة، ثم يجلس، ثم يقوم فيحمد الله، و يشنى عليه، و يصلى على محمد صلى الله عليه و آله وسلم و على ائمة المسلمين، و يستغفر للمؤمنين و المؤمنات، فاذا فرغ من هذا أقام المؤذن فصلى بالناس ركعتين».

۱. در فضیلت این نماز همین کافی است که بهترین عبادات و طاعات است بعد از ایمان و معرفت؛ چه در احادیث صحیحه ثابت شده است که بهترین عبادات بعد از معرفت، نماز است. اگر مقبول شد همه مقبول است و اگر مردود گشت همه مردود. و ثابت شده که بهترین نمازها نماز یومیّه است و بهترین نمازهای یومیّه نماز وسطی است و نماز وسطی نماز جمعه است یا نماز ظهر. و نماز ظهر روز جمعه که بهترین روزهاست و حسنات در او مضاعف است نماز جمعه است. پس بهترین عبادات بعد از ایمان نماز جمعه باشد.

و در کتاب من لایحضره الفقیه از پیغمبر - صلی الله علیه و آله و سلم - روایت کرده که «هر که به نماز جمعه آمد و ایمان داشت به آن و ثواب آن را از خدای عزوجل توقع داشت عمل خود را از سر بگیرد یعنی از کنه‌ها پاک می‌شود».

و در کتاب امالی از حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - روایت کرده که هیچ قدمی سعی نکرد به نماز جمعه مگر آن که حرام کرد خدای عزوجل بدن او را بر آتش.

و نیز در کتاب کافی به اسناد صحیح روایت کرده از حضرت امام محمد باقر - علیه السلام - که در روز جمعه ملائکه مقربین نازل می‌شوند با کاغذهای سیمین و قلم‌های زرین. پس می‌نشینند بر درهای مساجد بر کرسی‌های نور و می‌نویسند مردمانی را که پیشی می‌جویند به نماز جمعه بر قدر منزلت ایشان اول دوم تا آن که امام به منبر برآید و چون امام به منبر برآمد صحیفه‌ها را در هم می‌پیچند و فرود نمی‌آیند در هیچ روزی مگر روز جمعه.

و شیخ صدوق - رحمه الله - در کتاب دعائم الاسلام از حضرت امیر المؤمنین - علیه السلام - نقل کرده که مردمان در آمدن به نماز جمعه سه قسم‌اند: مردی به جهت سخن گفتن و جدال کردن می‌آید و حظّ او از جمعه همان است، و مردی دیگر وقتی می‌آید که امام خطبه می‌خواند پس اگر حق تعالی خواهد او را ثواب دهد و اگر خواهد محروم کرداند، و مردی دیگر حاضر می‌شود پیش از بر آمدن امام به منبر و نماز می‌گذارد آن مقدار که مقدر شده باشد برای او با توجه و سکون تا آن که امام به منبر بر آید و نماز منقضی شود پس نماز جمعه برای او کفاره است میان او و جمعه دیگر سه روز دیگر. و این به جهت آن است که حق تعالی می‌فرماید که: هر که حسنه کرد او را ده مثل آن است.

و به روایتی دیگر از حضرت پیغمبر - صلی الله علیه و آله - منقول است که: هر که بشوید - یعنی جامه و بدن را - و غسل جمعه کند و زود بکند و زود به مسجد برود و به نزدیک امام بنشیند و گوش بدارد به خطبه و سخن نگوید در اثنا آن او راست به هر گامی که برداشته مثل اجر عبادت یک ساله که روزها روزه داشته باشد و شب‌ها به عبادت برخاسته باشد.

و در کتاب دعائم آورده که حضرت امیر المؤمنین - علیه السلام - پای برهنه به نماز جمعه می‌رفت [برای بزرگداشت آن] و نعلین را به دست [چپ] می‌گرفت و می‌فرمود: این موطن خداست.

و در کتاب مذکور از حضرت پیغمبر - صلی الله علیه و آله و سلم - روایت کرده که فرمود: در شدت گرما به نماز جمعه رفتن، حج فقرای امت من است.

و در تهذیب از حضرت امام صادق - علیه السلام - از پدرش از جدش روایت کرده که: اعرابی به خدمت حضرت پیغمبر - صلی الله علیه و آله و سلم - آمد که او را قلیب می‌گفتند. پس گفت: یا رسول الله، به درستی که من چند نوبت مهبای حج شدم و میسرّم نشد. آن حضرت فرمود: ای قلیب، ملازم شو نماز جمعه را که آن حج مساکین است.

نماز جمعه، قبل از هر چیز یک عبادت بزرگ دسته جمعی است، و اثر عمومی عبادات را که تلطیف روح و جان، و شستن دل از آلودگیهای گناه و زدودن زنگار معصیت از قلب می باشد دربردارد.

واما از نظر اجتماعی و سیاسی، یک کنگره عظیم هفتگی است که بعد از کنگره سالانه حج، بزرگترین کنگره اسلامی می باشد، و به همین دلیل در روایتی از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده که: «جمعه حج کسانی است که قادر به شرکت در مراسم حج نیستند».

در حقیقت اسلام، به سه اجتماع بزرگ اهمیت می دهد: اجتماعات روزانه که در نماز جماعت حاصل می شود، اجتماع هفتگی که در مراسم نماز جمعه است و اجتماع حج که در کنار خانه خدا هر سال یک بار انجام می گیرد.

نقش نماز جمعه در این میان بسیار مهم است بخصوص این که یکی از برنامه‌های خطیب در خطبه نماز جمعه، ذکر مسائل مهم سیاسی و اجتماعی و اقتصادی است.

از جمله نمازهای واجب نماز جمعه است، و جوب نماز جمعه در زمان حضور امام معصوم علیه السلام مورد اتفاق همه علما است و از ضروریات دین اسلام شمرده شده و اختلافی در آن وجود ندارد، اما وجوب آن در عصر غیبت امام معصوم علیه السلام مورد اختلاف است، که در بررسی مستندات به اقوال در این باب اشاره می‌کنیم.

### کیفیت نماز جمعه

نماز جمعه نماز دو رکعتی است مانند نماز صبح، با این فرق که پس از ایراد دو خطبه اقامه می‌شود، مقدار واجب نماز جمعه به صورت اجمالی به این بیان است: ابتدا امام جمعه ایستاده و بعد از حمد و ثنای الهی مردم را به رعایت تقوا توصیه می‌کند و در آخر خطبه یک سوره از سوره‌های کوچک قرآن را قرائت نموده اندکی می‌نشیند. سپس بر می‌خیزد و خطبه دوم را نیز با حمد و ثنای الهی آغاز نموده بر پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام درود فرستاده و برای مؤمنین و مؤمنات طلب مغفرت می‌نماید. «FG»

کیفیت نماز جمعه

۱. دو رکعت مانند نماز صبح.

۲. دو خطبه قبل از نماز.

کیفیت خطبه‌های نماز جمعه

خطبه اول: حمد و ثنای الهی، توصیه به تقوا، قرائت سوره‌ای از قرآن.

خطبه دوم: حمد و ثنای الهی، صلوات بر محمد و آل، دعا و استغفار.

### تطبیق

#### صلاة الجمعة

#### نماز جمعه

فی وجوب الجمعة عصر الغيبة اختلاف کبیر.

در وجوب نماز جمعه در عصر غیبت اختلاف زیادی وجود دارد.

و هی كالصبح ركعتان الا انها مسبوقه بخطبتین يقوم الامام فی الاولی و یحمد الله و یشنی علیه و یوصی به تقوی الله و یقرأ سورة، ثم یجلس قليلا.

و آن مثل نماز صبح، دو رکعت است، با این فرق که قبل از آن دو خطبه وجود دارد که امام در اولی می‌ایستد و خدا را حمد می‌گوید و او را می‌ستاید و توصیه به تقوای الهی می‌کند و یک سوره می‌خواند، سپس کمی می‌نشیند.

و يقوم في الثانية و يحمد الله و يثنى عليه و يصلي على محمد صلى الله عليه و آله و سلم و أئمة المسلمين عليهم السلام و يستغفر للمؤمنين و المؤمنات.

و در خطبه دوم می‌ایستد و خدا را حمد می‌کند و او را می‌ستاید و بر پیامبر صلی علیه و آله و سلم و ائمه مسلمین علیهم السلام صلوات می‌فرستد و برای زنان و مردان مؤمن استغفار می‌کند. SCO۱۹:۵۵

### نماز جمعه در عصر غیبت<sup>۱</sup>

و جوب نماز جمعه در عصر غیبت امام معصوم علیه السلام مورد اختلاف واقع شده است و در میان علماء اختلاف اقوال زیادی وجود دارد، مشهورترین این اقوال سه قول است.

#### اقوال علماء

##### قول اول

نماز جمعه واجب تعیینی است. یعنی وقتی شرایط عمومی نماز جمعه محیا باشد، آن چه در ظهر روز جمعه واجب است نماز جمعه است و مکلف نمی‌تواند نماز ظهر بخواند بلکه باید در نماز جمعه حاضر شود.

##### قول دوم

نماز جمعه واجب تخییری است، یعنی اگر شرایط عمومی نماز جمعه محیا بود و نماز جمعه بر پا شد مکلف مخیر است بین این که نماز ظهر بخواند و یا نماز جمعه.

##### قول سوم

نماز جمعه مشروع نیست. یعنی اقامه آن کفایت از تکلیف واجب در ظهر جمعه نمی‌کند؛ لذا مکلف باید نماز ظهر بخواند. «FG»

۱. نخستین بحثی که راجع به نماز جمعه وجود دارد این است که آیا در عصر غیبت امام عصر «عج» اقامه نماز جمعه مشروعیت دارد یا نه. با وجود اینکه در عصر حضور امام معصوم (ع) و جوب عینی نماز جمعه بین کافه مسلمین اجماعی است. اختلافی که بین امامیه و اهل سنت در عصر غیبت وجود دارد این است که اهل سنت در عصر غیبت، نماز جمعه را واجب می‌دانند، چون اکثر مذاهب اسلامی شرط بودن امام معصوم و یا اذن سلطان را قبول ندارند. ولی در بین امامیه مسئله مورد اختلاف است که برخی آن را واجب تعیینی و بعضی از بزرگان واجب تخییری و بعضی از آنان اقامه نماز جمعه را حرام می‌دانند. محور و مرکز اختلاف در مسئله، لزوم وجود امام یا اذن امام در اقامه نماز جمعه است. این اختلاف و تشتت که از وجوب تا حرمت درباره آن رأی وجود دارد، عوامل متعددی دارد که مهم‌ترین آنها ابهام در موضوع اساسی نقش ولایت در حکم نماز جمعه است. از این زاویه، سه مبنای فقهی وجود دارد:

الف) برخی نماز جمعه را مطلقاً در عصر حضور و یا غیبت، از شئون ولایت نمی‌دانند و اقامه نماز جمعه را مثل دیگر نمازهای یومیه بی‌نیاز از اذن او می‌دانند. بنابراین بعضی از بزرگان مانند شهید ثانی قائل به وجوب تعیینی در عصر حضور و غیبت شدند.

ب) برخی در عصر حضور آن را از شئون ولایت می‌دانند و در عصر غیبت به این رابطه اعتقاد ندارند. طرفداران این مبنای دوم به رأی متفاوتی قائل شده‌اند و پس از اتفاق نظر در عصر حضور، درباره عصر غیبت به دلیل عدم دسترس به امام معصوم «ع»، شرط وجود سلطان را ساقط دانسته و به وجوب تعیینی یا وجوب تخییری نظر داده‌اند. و برخی از قائلین وجوب تخییری نیز پس از اقامه نماز جمعه حضور را در نماز جمعه واجب تعیینی می‌دانند مثل آیت‌الله‌العظمی مرحوم محقق خوئی

ج) برخی از فقهای امامیه اقامه نماز جمعه را به طور کلی از شئون ولایت می‌دانند و در این باره تفاوتی میان عصر حضور و غیبت قائل نیستند. بنابراین مبنا با غیبت امام، اقامه نماز جمعه را حرام و بدعت دانسته و برخی با وجود فقیه عادل و وجوب تخییری را انتخاب کرده‌اند یا در صورت اذن فقیه عادل، اقامه نماز جمعه را واجب تعیینی دانسته و در غیر این صورت به واجب تخییری فتوا داده‌اند.

عصر حضور: وجوب آن از ضروریات دین و مورد اتفاق فقهاء.

اقوال درباره وجوب نماز جمعه

عصر غیبت: { قول اول: وجوب عینی.  
قول دوم: وجوب تخییری.  
قول سوم: حرمت.

## بررسی ادله وجوب

### آیه ۹ سوره جمعه

آیه‌ای که می‌توان به آن برای وجوب نماز جمعه استناد نمود آیه نهم سوره مبارکه جمعه است. در این آیه آمده است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، وقتی که ندای نماز جمعه را شنیدید به سوی ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را رها کنید...

### اشکال

با تأمل در این آیه شریفه روشن می‌شود این آیه در مقام بیان وجوب ابتدائی نماز جمعه نیست، بلکه در مقام بیان این مطلب است که اگر نماز جمعه بر پا شد شرکت در آن واجب است.

### مقتضای اطلاق آیه

با توجه به بیانی که در مورد آیه شریفه ذکر شد، مقتضای اطلاق آن این است که هرگاه شرایط نماز جمعه مهیا شده و نماز جمعه بر پا شد شرکت در آن واجب است، و این وجوب شرکت اطلاق دارد، یعنی چه در زمان حضور امام معصوم علیه السلام باشد و یا در زمان غیبت، شرکت در آن واجب است. پس حضور امام معصوم علیه السلام در اقامه آن شرط نیست.

مقیداتی هم که نسبت به اطلاق آیه وارد شده شامل شرطیت حضور امام معصوم علیه السلام نیست.

### صحیحۀ زرارہ

از جمله روایاتی که در زمینه نماز جمعه وارد شده و می‌توان از آن وجوب نماز جمعه را استفاده کرد، صحیحۀ زرارہ از امام باقر علیه السلام است، طبق این نقل حضرت فرموده‌اند: خداوند از جمعه تا جمعه بعد سی و پنج نماز را بر مردم واجب کرده است، یکی از آن‌ها نمازی است که خداوند آن را در ضمن جماعت واجب کرده و آن نماز جمعه است، البته آن را از نه گروه بر داشته است، این نه گروه عبارتند از: کودکان، سالخورده‌گان، افراد مجنون، مسافر، بنده، زنان، افراد مریض، افراد نابینا و کسی که با محل اقامه نماز جمعه دو فرسخ (یا بیشتر) فاصله دارد. با توجه به عبارت «انما فرض الله عز و جل علی الناس...» می‌توان استفاده کرد که اطلاق کلمه «ناس» در روایت شامل تمام مردم می‌شود، چه در زمان حضور امام معصوم علیه السلام و چه در زمان غیبت.



## اشکال

با تأمل در مدلول این روایت نیز به دست می‌آید که در مقام بیان وجوب ابتدائی نماز جمعه نیست، بلکه اعم است از وجوب ابتدائی و وجوب حضور هنگام اقامه آن، علت این مطلب هم این است که این روایت فقط از جهت تعداد نمازهای واجب یومیه و افرادی که این نمازها بر آنها واجب است در مقام بیان است، و نسبت به جهات دیگر در مقام بیان نیست.

## قول مصنف

با توجه به بیانی که در مدلول آیه شریفه و روایت زراره ذکر شد، نتیجه بحث این است: نماز جمعه واجب تعیینی است. البته فقط در مرحله بقاء نه حدوث، یعنی فقط اگر شرایط آن مهیا بود و نماز بر پا شده و صدای اذان آن به گوش رسید، شرکت در آن واجب است.

## دلیل مصنف

با بیانات گذشته روشن شد که دلیلی بر وجوب تعیینی نماز جمعه در مقام حدوث نداریم، لذا از موارد فقدان نص است که مجرای براءت می‌باشد.

اما چون آیه و روایت ذکر شده دلالت بر وجوب آن در مرحله بقاء داشتند لذا دست ما از دلیل کوتاه نیست، و در این جا براءت<sup>۱</sup> جاری نمی‌شود.

۱. اصل براءت از اقسام اصول عملی است که وظیفه عملی مکلف را در مواردی که بعد از جست‌وجو و عدم دست‌یابی به دلیل، در تکلیف واقعی شک می‌نماید، تعیین نموده و به براءت ذمه او از تکلیف مشکوک حکم می‌کند؛ به بیان دیگر، مراد از اصل براءت، اصلی از اصول عملی است که هنگام شک مکلف در تکلیف و عدم دسترسی وی به حجت شرعی، اجرا می‌شود و در مقام عمل، مکلف را موظف به انجام آن تکلیف نمی‌داند؛ برای مثال، هنگامی که مکلف بعد از جست‌وجو و عدم دست‌یابی به دلیل، در حرمت یا حلیت استعمال دخانیات شک می‌کند، اصل براءت جاری نموده و به حلیت استعمال آن حکم می‌کند و از عقوبت مخالفت احتمالی با حکم واقعی، ایمن می‌شود. بنابراین، هر گاه بعد از جست‌وجوی از دلیل و عدم دسترسی به آن، در تکلیف شک شود، آن تکلیف بر عهده مکلف ثابت نمی‌شود؛ یعنی در شبهه وجوبی، ترک آن، و در شبهه تحریمی، ارتکاب آن، جایز است؛ فرقی نمی‌کند که منشأ شک، فقدان نص، اجمال نص یا تعارض دو نص باشد.

نکته اول: مجرای اصل براءت، شک در تکلیف است و این شک، گاهی ناشی از شک در حکم «شبهه حکمی» و گاهی ناشی از شک در موضوع «شبهه موضوعی» است و شبهه حکمی، گاهی وجوبی و گاهی تحریمی است.

نکته دوم: کاربرد قاعده براءت در جایی است که شک در تکلیف، از عدم ورود نص از جانب شارع و یا نرسیدن آن به مکلف ناشی شده باشد. نکته سوم: در این که بحث از حکم شبهات موضوعی نیز در ضمن بحث از اصل براءت مطرح می‌شود یا نه، اختلاف است؛ عده‌ای اعتقاد دارند که اصل براءت در شبهات موضوعی نیز جریان دارد.

عده‌ای دیگر معتقدند این بحث در شبهات موضوعی جاری نیست، زیرا مورد قاعده جایی است که یا بیانی از جانب شارع صادر نشده و یا بیان صادر شده به مکلف نرسیده است و در شبهات موضوعی، بیانی که وظیفه شارع بوده است، وارد شده و به مکلف رسیده است، زیرا وظیفه شارع بیان احکام کلی است، نه احکام جزئی و موضوعات خارجی؛ بنابراین، بحث از شبهات موضوعی، از علم اصول خارج بوده و استطراداً از آن بحث می‌شود.

کسانی که براءت را در شبهات موضوعی جاری می‌دانند، معتقدند تمسک به براءت در شبهات حکمی، بعد از جست‌وجو امکان دارد؛ ولی در شبهات موضوعی، به جز موارد خاص، جست‌وجو لازم نیست.

نکته چهارم: محل نزاع اصولیون و اخباری‌ها، خصوص شبهات تحریمی حکمی است و در سایر اقسام نزاعی ندارند؛ بنابراین، در شبهات حکمی تحریمی، اصولی‌ها، معتقد به جریان براءت و اخباری‌ها معتقد به جریان احتیاط بوده و نسبت به موارد دیگر، هر دو براءتی هستند.

## بررسی ادله عدم مشروعیت نماز جمعه در عصر غیبت

### دلیل اول

شرط بر پایی نماز جمعه این است که یا خود امام معصوم علیه السلام آن را اقامه کند و یا کسی که از طرف او برای اقامه نماز جمعه نصب شده است، و واضح است که در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام هر دو شرط منتفی است، لذا وجهی برای مشروعیت اقامه آن وجود ندارد.

### جواب دلیل اول

بیان ذکر شده در دلیل اول عیناً محل اختلاف در بحث نماز جمعه است و در صورتی درست است که همه آن را قبول داشته باشند، در حالی که در نصوص شرعی اعم از کتاب و سنت اشاره‌ای به شرطیت آن نشده است؛ لذا ضعف آن روشن است.

### دلیل دوم

در دعای ۴۸ صحیفه سجادیه از امام سجاد علیه السلام وارد شده است که: خدایا این مقام مقام خلفا و برگزیدگان تو است که از آن‌ها غصب شده است ... و از جمله این مقام‌ها مقام اقامه نماز عیدین و نماز جمعه ذکر شده است؛ و پر واضح است وقتی امام معصوم بیان کند که این مقام خاص خلفا و برگزیدگان خداوند است که همان ائمه معصومین علیهم السلام هستند، بدون حضور ایشان نمی‌توان آن را اقامه نمود.

### جواب دلیل دوم

با توجه به بیان امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه نهایت چیزی که می‌توان از این فراز دعای آن حضرت استفاده کرد این است که مقام اقامه نماز عیدین و جمعه از مناصبی است که در صورت حضور امام معصوم علیه السلام مخصوص ایشان است و دیگران حق اقامه آن را ندارند، مثل مقام قضاوت و ولایت که در زمان حضور امام معصوم علیه السلام خاص ایشان است؛ و روشن است که این بیان حضرت با محل بحث ما فرق دارد، چون محل بحث ما در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام است نه در زمان حضور ایشان.

### نتیجه

با توجه به سیر بحث که تا این جا ذکر شد، روشن می‌شود از سه قولی که ذکر شد، قول به وجوب تعیینی در صورت برقراری نماز و نه ابتداءً مورد تأیید نصوص شرعی است، و قول به تخییر و عدم مشروعیت دلیلی ندارد.

### تطبیق

و المستند فی ذلك: أما بالنسبة إلى أصل الوجوب، فمحل خلاف؛ و الأقوال المشهورة ثلاثة: الوجوب التبعینی، و الوجوب التخییری، و عدم المشروعیة.

مستند این مسائل: اما نسبت به اصل وجوب، محل اختلاف است؛ و اقوال مشهور در آن سه قول است: وجوب تعیینی، وجوب تخییری و عدم مشروعیت.

و المناسب ان يقال: لو لاحظنا الآية الكريمة: «ياايها الذين آمنوا اذا نودى للصلاة من يوم الجمعة فاسعوا الى ذكر الله و ذروا البيع ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون<sup>۱</sup>» لما وجدناها تدل على وجوب عقدها ابتداء بل متى ما عقدت و نودى لها لزم الحضور.

مناسب اين است كه گفته شود: اگر آيه كريمه را ملاحظه كنيم: «اي كساني كه ايمان آورده ايد وقتي در روز جمعه به نماز خوانده شديد پس بشتاييد به سوي ذكر خدا و خريد و فروش را رها كنيد، اين براي شما بهتر است اگر كه مي خواهيد بدانيد» به دست مي آوريم كه بر وجوب برپايي ابتدائي نماز جمعه دلالت نمي كند، بلكه اگر بر پا شد و ندا داده شد بر آن، حضور در آن لازم است.

و مقتضى الاطلاق عدم شرطية حضور الامام عليه السلام، و يقتصر في تقييده على بقية الشروط التي دل الدليل على اعتبارها و ليس منها الحضور.

و مقتضى اطلاق، مشروط نبودن حضور امام عليه السلام است، و در تقييد آن اطلاق به شروط ديگري كه دليلي بر آن وجود دارد اكتفا مي شود، كه حضور امام از آن ها نيست.

و لو لاحظنا صحيحة زرارة عن الباقر عليه السلام «انما فرض الله عز و جل على الناس من الجمعة الى الجمعة خمسا و ثلاثين صلاة، منها صلاة واحدة فرضها الله عز و جل في جماعة، و هي الجمعة

و اگر صحیح زرارۀ از امام باقر عليه السلام را ملاحظه كنيم: «همانا خدای عز و جل بر مردم از جمعه تا جمعه سی و پنج نماز واجب کرده است، از جمله آن ها يك نماز است كه خداوند آن را در جماعت واجب کرده، و آن جمعه است»،

و وضعها عن تسع: عن الصغير، والكبير، والمجنون، والمسافر، والعبد، والمرأة، والمريض، و الأعمى، و من كان على رأس فرسخين<sup>۲</sup>».

و آن را از نه گروه برداشته است: از خردسال، از كهنسال، و ديوانه، و مسافر، و بنده، و زن، و مريض، و نابينا، و كسي كه سر دو فرسخي باشد.

وجدناها تشمل به مقتضى اطلاق كلمة «الناس» الجميع الى يوم القيامة به ما في ذلك عصر الغيبة، و لكنها لا تدل على وجوب اقامتها ابتداء بل اعم منه و من وجوبها عند النداء لها، لعدم احراز كونها في مقام البيان الا من ناحية بيان عدد الفرائض و من تجب عليه.

مي يابيم كه به مقتضى اطلاق كلمه «الناس» شامل همه مي شود تا روز قيامت كه از جمله آن عصر غيبت است، لكن اين روايت دلالت بر وجوب اقامه ابتدائي آن ندارد، بلكه اعم از آن است و وجوب آن وقتي به آن خوانده شود، به خاطر محرز بودن اين كه در مقام بيان است مگر از ناحیه بيان عدد نمازهای واجب و كسي كه بر او واجب است.

۱. الجمعة: ۹.

۲. وسائل الشیعة: باب ۱ من ابواب صلاة الجمعة، حدیث ۱.

و علیه، فالمناسب الحكم بوجود صلاة الجمعة تعيينا في مرحلة البقاء دون الحدوث لان الوجوب التعييني في مرحلة الحدوث لا دليل عليه، فينفي بالبراءة بخلافه في مرحلة البقاء فان الدليل على ثبوته موجود.

بنا بر این، آن چه مناسب است، حکم به وجوب تعیین نماز جمعه است در مرحله بقاء نه حدوث، چون وجوب تعیین در مرحله حدوث دلیلی ندارد، پس به وسیله براءت نفی می شود، بر خلاف وجوب آن در مرحله بقاء، چون دلیل بر ثابت کردن آن وجود دارد.

و دعوی آنکه لا يمكن الحكم بالمشروعية زمن الغيبة اما لان شرط انعقاد الجمعة حضور الامام عليه السلام او من نصبه، و هو منتف زمن الغيبة.

ادعای این که ممکن نیست حکم به مشروعیت آن در زمان غیبت، یا به خاطر این که شرط تشکیل نماز جمعه حضور امام علیه السلام یا کسی است که امام او را نصب کرده است، و آن در زمان غیبت منتفی است. او لظاهر دعاء الصحيفة السجادية: «اللهمان هذا المقام لخلفائك و اصفیائك... قد ابتزوها وانت المقدر لذلك... حتی عاد صفوتک و خلفاؤک مغلوبین مقهورین...».

یا ظاهر دعای صحیفه سجادیه: «خدا یا این مقام مختص خلفا و برگزیدگان تو است... که آن را از ایشان ربوندند و تقدیر تو این گونه بوده است... تا این که برگزیدگان و خلفای تو مقهور و مغلوب شدند...».

مدفوعة بأن الشرط المذكور اول الكلام، بل هو منفي بعدم اشارة النصوص له؛ و اقصى ما يدل عليه الدعاء أن الامام عليه السلام احق باداء الجمعة مع وجوده و انه من مناصبه الخاصة كالتقضاوة و الولاية، و هذا غير محل الكلام، فانه ناظر الى زمن الغيبة.

دفع می شود به این که شرط مذکور (شرط حضور امام علیه السلام) اول کلام است، بلکه چون در روایات به آن اشاره نشده است منتفی است، و نهایت چیزی که از دعا استفاده می شود این است که امام علیه السلام اولویت دارد به اقامه جمعه وقتی که با شد، و این که آن از مناصب خاص امام است مثل قضاوت و ولایت (سرپرستی)، و این مطلب هم غیر از محل بحث ما است، چرا که آن نظر به زمان غیبت دارد. SCO۲۲۲:۳۰

### دلیل تعداد رکعات نماز جمعه

#### تسالم

این مطلب از مسلمات فقه است و کسی در آن بحثی ندارد. با این حال روایاتی هم در این زمینه وارد شده است.

#### موثقة اول سماعه

از جمله روایات وارد شده در این باب موثقه سماعه از امام صادق علیه السلام است، در این روایت آمده است: نماز جمعه ای که با امام (و به صورت جماعت خوانده می شود) دو رکعت است، اما اگر کسی بخواهد نماز را فرادی بخواند باید چهار رکعت بخواند.

۱. الصحيفة السجادية: رقم ۴۸.

## دلیل کیفیت نماز جمعه

در ابتدای بحث اشاره کردیم که نماز جمعه با این که مانند نماز صبح دو رکعت است اما با آن فرق دارد و فرق آن در کیفیت اقامه آن است از جمله این که قبل از اقامه نماز باید دو خطبه با بیانی که ذکر شد بخواند، این مطلب را هم می‌توان از روایات وارد شده در این باب استفاده کرد.

### موثقه دوم سماعه

در این روایت آمده: امام جمعه ابتدا خطبه می‌خواند در حالی که ایستاده است، ابتدا حمد و ثنای خداوند را نموده و مردم را به تقوای الهی دعوت می‌نماید، سپس یکی از سوره‌های کوچک قرآن را خوانده و می‌نشیند، دوباره بر خواسته و پس از حمد و ثنای خداوند و صلوات بر پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام برای مؤمنین و مؤمنات طلب مغفرت می‌نماید. پس از اتمام دو خطبه مؤذن ندا می‌دهد و امام دو رکعت نماز برای مردم (با مردم) می‌خواند. «FG»

ادله کیفیت نماز جمعه

۱. دو رکعتی بودن نماز جمعه: موثقه سماعه «صلاة الجمعة مع الامام رکعتان»

۲. دو خطبه ابتدائی نماز جمعه: موثقه دوم سماعه.

### تطبیق

و أما انها رکعتان كالصبح، فهو مضافا الى كونه من المسلمات يستفاد من موثق سماعه عن ابی عبد الله عليه السلام: «صلاة الجمعة مع الامام رکعتان، فمن صلی وحده فهی اربع رکعات<sup>۱</sup>» و غیره.

و اما این که آن (نماز جمعه) دو رکعت است مثل نماز صبح، علاوه بر این که از مسلمات است، استفاده می‌شود از موثق سماعه از امام صادق علیه السلام: «نماز جمعه با امام (و به جماعت) دو رکعت است، و هرکس به تنهایی بخواند پس آن چهار رکعت است» و روایات دیگر.

و أما انه يتقدمها خطبتان يقرأ فيها ما ذكر، فلموثق سماعه الاخری عن ابی عبد الله عليه السلام «يخطب یعنی امام الجمعة، و هو قائم يحمد الله، و يثنى عليه، ثم يوصی به تقوی الله، ثم يقرأ سورة من القرآن صغيرة، ثم يجلس، و اما این که مقدم می‌کند بر آن دو خطبه و در آن می‌خواند آن چه ذکر شد، به خاطر موثق دیگر سماعه از امام صادق علیه السلام است: «خطبه می‌خواند، یعنی امام جمعه، در حالی که ایستاده است خدا را حمد می‌کند، و او را می‌ستاید، سپس سفارش به تقوای الهی می‌کند، سپس یک سوره کوچک از قرآن می‌خواند و بعد می‌نشیند،»

ثم يقوم فيحمد الله، و يثنى عليه، و يصلی علی محمد صلی الله علیه و آله وسلم و علی ائمة المسلمين، و يستغفر للمؤمنين و المؤمنات، فاذا فرغ من هذا أقام المؤذن فصلی بالناس رکعتين<sup>۲</sup>».

۱. وسائل الشیعة: باب ۶ من ابواب الصلاة الجمعة، حدیث ۲.

۲. المصدر: باب ۲۵ من ابواب صلاة الجمعة، حدیث ۲.

سپس بر می‌خیزد پس حمد خدا را می‌گوید و او را می‌ستاید و بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و بر ائمه مسلمین علیهم السلام صلوات می‌فرستد و برای زنان و مردان مؤن استغفار می‌کند، پس وقتی فارغ شد از این، مؤذن اقامه می‌گوید پس برای مردم دو رکعت می‌خواند. SCO۳♦۲۶:۱۷

۱. در وجوب نماز جمعه در عصر غیبت امام معصوم علیه السلام اختلاف نظر میان علما زیاد است، معروف‌ترین آن‌ها سه نظر است: ۱- وجوب تعیینی. ۲- وجوب تخییری. ۳- عدم مشروعیت.
۲. آیه‌ای که می‌توان برای وجوب نماز جمعه به آن استناد کرد آیه نهم سوره جمعه است.
۳. آیه نهم سوره جمعه فقط بر وجوب شرکت در نماز جمعه هنگام بر پایی آن دلالت دارد، لذا بر وجوب اقامه ابتدایی آن دلالت نمی‌کند.
۴. مقتضای اطلاق آیه نهم سوره جمعه این است که حضور امام معصوم علیه السلام در وجوب آن شرط نیست، بلکه هر وقت اقامه شد، چه امام معصوم علیه السلام حاضر باشد و یا حاضر نباشد، شرکت در آن واجب است.
۵. مقتضای اطلاق روایت زراره از امام باقر علیه السلام، این است که نماز جمعه بر همه مردم واجب است چه در زمان حضور امام معصوم علیه السلام و چه در زمان غیبت؛ و دلالت آن علاوه بر این که شامل اقامه ابتدایی است، اقامه هنگام تشکیل نماز جمعه را هم در بر می‌گیرد.
۶. اشکال روایت زراره این است که فقط از جهت تعداد نمازهای واجب و کسانی که بر آن‌ها واجب است در مقام بیان است.
۷. قول مختار مصنف این است که نماز جمعه واجب تعیینی است. اما فقط در مرحله حدوث، یعنی اگر شرایط مهیا بود و نماز جمعه بر پا شد شرکت در آن واجب است.
۸. طبق قول مختار، دلیلی بر وجوب اقامه ابتدایی نماز جمعه نداریم، لذا از موارد فقدان نص است که مجرای برائت می‌باشد.
۹. دلیل اول قائلین به عدم مشروعیت نماز جمعه این است که شرط انعقاد نماز جمعه حضور امام معصوم علیه السلام و یا فرد منصوب از طرف ایشان است. اما مورد قبول نیست، چون این صرف مدعی است و نصوص شرعی آن را تأیید نمی‌کنند.
۱۰. دلیل دوم قائلین به عدم مشروعیت نماز جمعه، بیان امام سجاد علیه السلام در دعای ۴۸ صحیفه سجادیه است که مقام اقامه نماز جمعه را خاص ائمه معصومین علیهم السلام می‌داند، جواب این بیان این است که: این منصب در زمان حضور امام معصوم علیه السلام مخصوص ایشان است، اما بحث ما در زمان غیبت است لذا این بیان شامل محل بحث ما نیست.
۱۱. دو رکعت بودن نماز جمعه از مسلمات فقه است، اما با این حال روایاتی مانند موثقه سماعه از امام صادق علیه السلام نیز این مطلب را به وضوح بیان کرده‌اند.
۱۲. دلیل بر کیفیت نماز جمعه (که مشتمل بر دو خطبه با کیفیت مخصوص است) روایت دیگر سماعه از امام صادق علیه السلام است که کیفیت نماز جمعه را به وضوح بیان کرده است.